



امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - روش‌نعلی شکاری، سید مصطفی میلانی
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم موسی زاده،
محمد صالحی

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - محمدعلی حاجی ده‌آبادی، روح‌الله شمشیری
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با
تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب،
نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تأکید بر پناه‌جویان زیست‌محیطی - مهناز خرسندی، عسکر جلالیان
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک
احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت
تسلیحات نظامی متعارف - پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - مریم شعبان
اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - مصطفی فضائی، آرش ملک
جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی -
محمد ستایش‌پور، پرینان شفانی

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی
اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - زهرا وهبی، آرش رزمی

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم‌انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری
قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا،
ندا حقیقی

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - محمدصادق داریوند
میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم



Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade

مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف

Pouria Ebrahimpzadeh

Master of International Law, Islamic Azad University, Mashhad branch, Mashhad, Iran

پوریا ابراهیمزاده

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

Iranxma@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0001-6172-0202>

Somayeh Rahmanian

Assistant Professor, Department of International Law, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

سمیه رحمانیان

استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

(نویسنده مسئول)

Srahmanianlawyer@mshdiau.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0002-6364-7157>

Abstract

The legal regime of military weapons equipment control refers to the legal stands of states and international organizations on manufacturing, trading, and utilizing weapons. These legal stands can be realized by reviewing the relevant international documents. All of the international documents on the military weapons equipment control seek the common goal of maintaining international peace and security by setting certain regulations to control the production, trade, and use of weapons. However, since there are various theoretical foundations for the military weapons equipment control, international documents differ in the solutions that they offer for this international problem. This study aims to address the views of these theoretical foundations regarding the production, trade, and use of weapons in addition to determining the conflicts in the approaches adopted by the UN and the WTO to the conventional military weapons equipment trade. For this purpose, the authors used a descriptive-analytical method and they also employed a comparison method in some cases. The general research results explained and criticized the existing theoretical foundations for the military weaponry control. The results also emphasized the admirable activity of the UN and the condemnable stand of the WTO with regard to the conventional military weapons equipment trade.

Keywords: Arms Control, Arms Trade, Conventional Arms, United Nations, World Trade Organization.

چکیده

رژیم حقوقی حاکم بر مقوله کنترل تسلیحات نظامی به مواضع حقوقی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی پیرامون تولید، تجارت و استفاده از سلاح دلالت دارد که با مطالعه متن اسناد بین‌المللی مرتبط با این حوزه می‌توان به مواضع حقوقی محل بحث پی برد. جمیع اسناد بین‌المللی مرتبط با مقوله کنترل تسلیحات نظامی هدفی مشترک مبنی بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از رهگذر وضع قواعدی جهت کنترل تولید، تجارت و استفاده از سلاح را دنبال می‌کنند لیکن به دلیل وجود مبانی نظری متعدد در حوزه کنترل تسلیحات نظامی، نسخه تجویزی هر یک از اسناد بین‌المللی جهت علاج این معضل بین‌المللی متفاوت است. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که مبانی نظری موجود در حوزه کنترل تسلیحات نظامی چگونه دیدگاهی نسبت به تولید، تجارت و استفاده از سلاح دارند و تعارض رویه سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف در چه مواردی نمود پیدا می‌کند؟ نگارندگان با هدف یافتن پاسخی معقول برای پرسش فوق از روش توصیفی-تحلیلی و در بعضی از موارد از روش مقایسه‌ای استفاده نموده‌اند. نتیجه کلی پژوهش ضمن شرح و نقد مبانی نظری موجود در حوزه کنترل تسلیحات نظامی، بر عوامل توجه جامعه بین‌المللی به مسئله تجارت تسلیحات و فعالیت قابل تحسین سازمان ملل متحد و مواضع قابل نکوهش سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف تأکید دارد.

واژگان کلیدی: کنترل تسلیحات، تجارت تسلیحات، تسلیحات متعارف، سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی.

Received: 2022/06/17 - Review: 2022/09/17 - Accepted: 2022/11/21

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱

ارجاع:

ابراهیم زاده، پوریا؛ رحمانیان، سمیه؛ (۱۴۰۱)، مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

میل افراطی کشورهای ناتوان در تولید سلاح به خرید تسلیحات نظامی از یک سو و میل افراطی کشورهای توانمند در تولید سلاح به سود تجاری ناشی از فروش تسلیحات نظامی از سوی دیگر زمینه را جهت رونق یافتن بازار تجارت^۱ تسلیحات نظامی فراهم آورده است. در سایه عدم توانایی برخی از کشورها در نظارت بر آمار صادرات و واردات و نحوه توزیع تسلیحات نظامی خویش، شرایط لازم برای ورود دلالان^۲، تروریسم^۳ و شرکت‌های تولید سلاح به این حوزه از تجارت فراهم آمد که این واقعه بحران‌های امنیتی بین‌المللی متعددی را حادث گردانید. گرایش توسل به سلاح برای حل معضلات کوچک به‌عنوان حداقل و بروز حوادثی همچون جنگ جهانی دوم به‌عنوان مصداقی از حداکثر بحران‌های فوق قابل تمثیل است. باید اقرار کرد توجه به مصادیق متعدد نقض حقوق بشر^۴ و حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۵ که عموماً به موجب کاربست سلاح حادث می‌گردد بر عدم وجود فرهنگ‌سازی مناسب پیرامون فلسفه وجودی سلاح تأکید دارد (مرادی، ۱۳۹۴، ۱۴).

جميع موارد فوق موجب برانگیخته‌شدن نگرانی جامعه بین‌المللی^۶ شد و کنوانسیون‌هایی ناظر بر تولید،

- 1- Trade
- 2- Brokers
- 3- Terrorism
- 4- Human Rights
- 5- International Humanitarian Law (IHL)
- 6- International Community

تجارت و استفاده از سلاح تصویب گردید و نظر به عواقب تجارت تسلیحات نظامی، این حوزه مورد توجه ویژه قرار گرفت (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۸، ۱۱). جمیع اسناد بین‌المللی مرتبط با مقوله کنترل تسلیحات نظامی هدفی مشترک مبنی بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از رهگذر وضع قواعدی جهت کنترل تولید، تجارت و استفاده از سلاح را دنبال می‌کنند لیکن به دلیل وجود مبانی نظری متعدد در حوزه کنترل تسلیحات نظامی، نسخه تجویزی هریک از اسناد بین‌المللی جهت علاج این معضل بین‌المللی متفاوت است (سرتیپی و حجت‌زاده، ۱۳۹۲، ۵).

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که مبانی نظری موجود در حوزه کنترل تسلیحات نظامی چگونه دیدگاهی نسبت به تولید، تجارت و استفاده از سلاح دارند و تعارضات رویه سازمان ملل متحد^۷ و سازمان تجارت جهانی^۸ در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف در چه مواردی نمود پیدا می‌کند؟ فرضیه ما این گونه است که وجود مبانی نظری متعدد در این حوزه می‌تواند ناشی از اقتضاء هریک از این نظریات برای زمان، موضوع و مخاطب خاص خود باشد و سازمان تجارت جهانی نیز در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف نمی‌تواند مواضعی متعارض با مواضع سازمان ملل متحد را اتخاذ نماید. نگارندگان با هدف یافتن پاسخی معقول برای پرسش فوق و صحت‌سنجی فرضیه خویش از روش توصیفی-تحلیلی و در بعضی از موارد از روش مقایسه‌ای بهره برده‌اند و مطالب مطروحه در پژوهش حاضر را با رویکردی کاربردی جهت حصول یک نتیجه علمی ارائه کرده‌اند.

۱- چهار چوب مفهومی

مقوله کنترل تسلیحات نظامی سه مبحث تولید، تجارت و استفاده از سلاح را شامل می‌شود که در میان سه مبحث اخیر اهمیت تجارت سلاح بیش از دو مبحث دیگر است؛ زیرا تجارت سلاح عامل پیوند تولید و استفاده از این ابزار محسوب می‌شود. برخلاف مبانی علمی، از نظر عوام تفاوت و مرز فاحشی میان دو واژه تجارت و بازرگانی^۹ وجود ندارد. لغت نامه آکسفورد^{۱۰} معنای لغوی تجارت را خرید و فروش یا مبادله کالا و خدمات توسط اشخاص و دولت‌ها^{۱۱} تعبیر کرده است؛ درحالی که معنای لغوی بازرگانی ضمن

7- United Nations (UN)

8- World Trade Organization (WTO)

9- Commerce

10- Oxford Dictionary

11- State

دلالت بر اعمالی نظیر خرید و فروش کالا و خدمات، اعمالی نظیر تبلیغات^{۱۲}، بازاریابی^{۱۳}، معاوضه^{۱۴} و... نیز تأکید دارد. به بیان بهتر تجارت صرفاً رابطه میان خریدار و فروشنده و بازرگانی رابطه میان تولیدکننده و مصرف‌کننده را دربرمی‌گیرد و بنابراین واضح است که بازرگانی مفهوم گسترده‌تری از تجارت دارد (طارم‌سری، ۱۳۹۵، ۱۱). صحت این بیان را می‌توان در حوزه مطالعاتی حقوق تجارت بین‌الملل^{۱۵} و حقوق بازرگانی بین‌المللی^{۱۶} یافت نمود. درحالی‌که حقوق تجارت بین‌الملل قلمرو مربوط به خرید و فروش کالا و خدمات را شامل می‌شود، حقوق بازرگانی بین‌المللی به جنبه‌های گسترده‌تری از کسب و کار می‌پردازد. اهمیت ارائه تعریفی دقیق از سلاح بدان جهت است که در سایه عدم وجود چنین تعریفی کشورها تلاش خواهند نمود تا به همین بهانه تسلیحات خود را از شمول معاهدات مربوط به کنترل تسلیحات نظامی مستثنی تلقی کنند. اسلحه^{۱۷} جمع مکسر واژه سلاح بوده و از نظر لغوی در اکثر لغتنامه‌های معتبر انگلیسی به ابزاری مانند چاقو، تفنگ و بمب دلالت دارد که برای هجوم به دیگران از آن استفاده می‌شود. در برخی از متون، دو واژه Weapon و Arm عموماً در معنای یکدیگر استعمال می‌گردند. باید بدانیم که Weapon در حالت معمول دلالت بر سلاح سرد^{۱۸} دارد مگر آن که قبل از Weapon از صفتی نظیر Nuclear استفاده شود که مشخصاً دامنه دلالت Weapon را به سلاح گرم^{۱۹} ختم کند. مثلاً در عنوان لاتین کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزار شیمیایی^{۲۰} از واژه Weapon استفاده شده است. نظر به آن که در عنوان لاتین کنوانسیون فوق‌الذکر از واژه Weapon از صفت Chemical استفاده شده است مبین می‌گردد که مفاد این سند مرتبط با سلاح گرم است. Arm به هر نوع از تسلیحات اعم از سرد و گرم دلالت دارد که توسط نیروهای مسلح برای جنگیدن استعمال شود. مثلاً در عنوان لاتین معاهده تجارت تسلیحات^{۲۱} از واژه Arm استفاده شده است؛ لذا استنباط می‌گردد که مفاد این معاهده مرتبط احکام راجع به خرید و فروش تسلیحات نظامی جنگی است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۹).

12- Advertising

13- Marketing

14- Swap

15- International Trade Law

16- International Commercial Law

17- Weapon

18- Cold weapon

19- Firearm

20- Chemical Weapons Convention (CWC)

21- Arms Trade Treaty (ATT)



شکل ۱- رابطه میان Weapon و Arm

نگارندگان حسب ظاهر، کاربرد، حجم، وزن و سایر اوصاف تقسیم‌بندی‌های متعددی را از سلاح را ارائه نموده‌اند که اشاره به تمام آن‌ها از حوصله بحث ما خارج است؛ لیکن باید اذعان کرد که تقسیم سلاح به دو نوع سلاح متعارف^{۲۲} و سلاح نامتعارف^{۲۳} بیش از سایر تقسیمات مورد توجه حقوق بین‌الملل^{۲۴} قرار گرفته است. نظر به عدم ارائه تعریفی از تسلیحات متعارف و نامتعارف در اسناد بین‌المللی عام‌الشمول، دکترین حقوقی و نظامی کشورها تعاریف متعددی از این واژگان ارائه نموده‌اند (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴، ۳). به طور کلی سلاح متعارف به سلاحی اطلاق می‌گردد که تولید، ذخیره و تجارت آن از منظر عرف بین‌الملل^{۲۵} معمول تلقی شود؛ البته این بیان بدین معنا نیست که توسل به هر سلاح متعارفی در جنگ قانونی باشد. سلاح متعارف خود به سه نوع کوچک مانند کلاشینکف، سبک مانند موشک و سنگین مانند تانک جنگی تقسیم می‌گردد (رحیمی و جعفری مهدی‌شهری، ۱۳۹۹، ۱۰۵). سلاح نامتعارف نیز به سلاحی اطلاق می‌گردد که نه تنها کاربست، بلکه تولید، انباشت و تجارت آن ممنوع بوده و برای دولت خاطی مسئولیت بین‌المللی^{۲۶} به بار خواهد آورد. این سلاح خود به سه نوع شیمیایی^{۲۷}، بیولوژیکی^{۲۸} و هسته‌ای^{۲۹} تقسیم می‌شود (شریفی طراز کوهی و گودرزی رئوف، ۱۳۹۶، ۱۵۶). متأسفانه بعضی از نویسندگان سلاح ممنوعه^{۳۰} و سلاح نامتعارف را در یک معنا استعمال می‌کنند که این رویه محل ایراد است. سلاح ممنوعه علاوه بر کلیه اشکال سلاح نامتعارف، برخی از اشکال سلاح متعارف را نیز شامل می‌شود. مثلاً مین ضد نفر^{۳۱} یک سلاح متعارف

22- Conventional weapons

23- Unconventional Weapon

24- International Law

25- International Custom

26- International Responsibility

27- Chemical Weapon

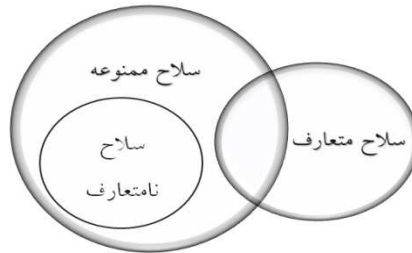
28- Biological weapon

29- Nuclear Weapon

30- Prohibited Weapon

31- Anti-personnel mine

است که کاربستش به موجب پیمان اوتاوا^{۳۲} ممنوع شده و در زمره تسلیحات ممنوعه قرار گرفته است. برای درک بهتر این موضوع نظر شما را به شکل ذیل جلب می‌کنیم.



شکل ۲- رابطه میان سلاح متعارف، نامتعارف و ممنوعه

حال که با مفهوم تجارت و سلاح آشنا شدیم می‌توانیم تعریفی از تجارت تسلیحات نظامی ارائه کنیم. تجارت تسلیحات نظامی به معنای خرید و فروش این ابزار است که انجام این تجارت در بازار سفید یا قانونی، بازار خاکستری یا شبه قانونی و بازار سیاه یا قاچاق صورت می‌پذیرد. ذکر این نکته ضروری است که چنانچه یک معاهده در خصوص تجارت تسلیحات نظامی تنظیم شده باشد صرفاً موضوع تجارت سلاح را در بر نگرفته و مواردی نظیر تجارت مهمات، قطعات و اجزای سلاح را نیز شامل می‌شود مگر آن که عنوان یا مفاد معاهده به گونه‌ای دیگر تصریح کرده باشد. برخی نویسندگان از تجارت تسلیحات نظامی با عنوان سوداگری مرگ و از تاجران اسلحه با عنوان سوداگران مرگ یاد کرده‌اند (زرمحمدی و حسینی‌الموسوی، ۱۳۹۵، ۱۰).

۲- مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی

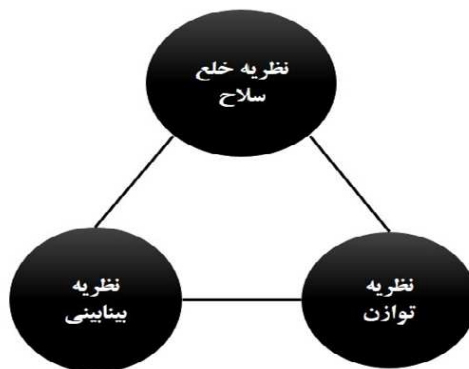
به راستی که استقلال سیاسی، رفاه اقتصادی، پایداری فرهنگ ملی و صیانت از تمامیت ارضی از جمله ارزش‌های هر ملتی^{۳۳} محسوب شده و تحقق آن‌ها در رهن وجود امنیت ملی^{۳۴} می‌باشد. چنانچه یک دولت نتواند از ارزش‌های داخلی خود در برابر تهدیدات داخلی و خارجی دفاع کند ناگزیر خواهد شد تا آن‌ها را به نفع دشمنان وا نهد. امروزه کشورها تجارت تسلیحات نظامی را در زمره مصداقی از حقوق حاکمیتی و

32- Ottawa Treaty

33- Nation

34- National security

مرتبط با امنیت ملی خویش دانسته (محمودی و صداقت، ۱۳۹۴، ۲۲۴) و در حال حاضر بسیاری از رهبران سیاسی و نظامی متقاعد شدند که امنیت ملی در رهن قدرت، قدرت در رهن توان نظامی، توان نظامی در رهن دسترسی به اسلحه و دسترسی به اسلحه در رهن توان مالی لازم برای تجارت سلاح می‌باشد. مرور متن کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با حوزه کنترل تسلیحات نظامی گویای وجود سه مبنای نظری در خصوص تولید، تجارت و استفاده از سلاح بوده که هر یک از آن‌ها راهکار خاص خود را جهت علاج این معضل بین‌المللی ارائه می‌دهند. در ادامه با رویکردی کاربردی به شرح و نقد مبنای نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی می‌پردازیم.



شکل ۳- مبنای نظری مربوط به کنترل تسلیحات نظامی

۱-۲- نظریه خلع سلاح^{۳۵}

شرح: مبنای نظریه خلع سلاح بدین شرح است که رابطه متقابلی میان در دست داشتن سلاح و میل به استفاده کردن از آن وجود دارد. دولتی که به هر نحو سلاح را انبار کند پس از مدتی در صدد تحقق اهداف خویش از طریق توسل به زور بر خواهد آمد. در راستای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی، این نظریه به دنبال امحاء کلیه تسلیحات موجود در جهان است و در این میسر میان فشنگ جنگی تا سلاح هسته‌ای استثنایی قائل نمی‌شود. ریشه این نظریه را می‌توان در یکی از کتب کانت^{۳۶} به نام صلح پایدار^{۳۷} یافت

35- Disarmament Theory

36- Immanuel Kant (1724-1804)

37- Perpetual Peace: A Philosophical Sketch (1975)

(میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۵۴-۵۳). در شاخه روابط بین‌الملل از این نظریه تحت عنوان رویکرد نظم زدایی تسلیحات نیز یاد شده و اساساً یک نظریه ایدئالیسم^{۳۸} یا ایده‌آل‌گرا محسوب می‌شود. کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزار شیمیایی تا حد زیادی از منطبق این نظریه تأثیر می‌پذیرد.

نقد: در نقد این نظریه باید گفت که تحقق آن به لحاظ عملی غیرممکن است. براساس نظریه رئالیسم^{۳۹} دولت‌ها بازیگران اصلی و سازمان‌های بین‌المللی^{۴۰} نمایندگان آن‌ها بوده فلذا سازمان‌های بین‌المللی در سطح وسیعی اهداف دولت‌هایی را که توان تحمیل مطلوب شان بر سازمان‌ها را دارند دنبال می‌کنند. بدیهی است دولت‌ها در سایه نظریه واقع‌گرایی اعتمادی نسبت به یکدیگر نداشته باشند و هیچ ضمانت اجرا و سیستم نظارتی را در جهت خلع سلاح خویش از سوی سازمان‌های بین‌المللی نپذیرند. به لحاظ حقوقی نیز نظریه خلع سلاح در تعارض با منشور ملل متحد^{۴۱} است زیرا به زعم منشور داشتن حداقلی از سلاح لازم و قانونی و محو کامل تسلیحات غیرممکن محسوب می‌گردد. مثلاً فصل هفتم منشور از اقدامات قهری شورای امنیت سازمان ملل متحد^{۴۲} صحبت به عمل آورده است (اسلامیان، ۱۳۹۹، ۱۱). فقدان سلاح فلسفه وجودی این قسمت را به چالش می‌کشاند.

۲-۲- نظریه توازن^{۴۳}

شرح: مبنای نظریه توازن بدین شرح است که چنانچه تمام دولت‌ها به تسلیحات مشابهی مجهز شوند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تضمین خواهد شد زیرا در شرایطی که توان نظامی دولت‌ها در یک سطح باشد هیچ کشوری آغازگر جنگ نخواهد بود. صلح مسلح مقصود این نظریه است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۵۷). در شاخه روابط بین‌الملل از این نظریه تحت عنوان رویکرد نظم آفرینی تسلیحات نیز یاد شده و اساساً یک نظریه رئالیسم یا واقع‌گرا محسوب می‌شود. پیمان کاهش تسلیحات استراتژیک^{۴۴} میان شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا تا حد زیادی از منطبق این نظریه تأثیر می‌پذیرد (شیرودی، ۱۳۸۴، ۹).

38- Idealism

39- Realism

40- International Organizations

41- Charter of the United Nations

42- United Nations Security Council

43- Balance Theory

44- Strategic Arms Reduction Treaty (New Start)

نقد: در نقد این نظریه باید گفت که اولاً معیاری برای سنجش توان نظامی برابر دولت‌ها وجود ندارد. ثانیاً دسترسی به اطلاعات مربوط به توان نظامی دولت‌ها محرمانه است و ارزیابی‌های فعلی از توان نظامی دولت‌ها نیز صرفاً آماری روی کاغذ بوده و در بهترین فرض نزدیک به واقعیت است. ثالثاً تجهیز برابر تمام دولت‌ها نه میسر است و نه عادلانه. با فرض پذیرش این نظریه مسائلی نظیر وسعت، جمعیت، منازعات سیاسی، موقعیت جغرافیایی و... کشورها هیچ تأثیری بر دکتترین نظامی آن‌ها نخواهد داشت. نتیجتاً به لحاظ نظامی بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورها در شرایط برابر با کوچک‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشورها قرار خواهند گرفت. در چنین شرایطی یک کشور بسیار بیش از آنچه که امنیت ملی او ایجاب می‌کند به سلاح دسترسی خواهد داشت و کشوری دیگر حتی در حراست از سرحدات خود ناتوان خواهد بود. رابعاً این نظریه تفکیکی میان سلاح متعارف و غیرمتعارف قائل نیست و حتی چنانچه تمام دولت‌ها به سلاح هسته‌ای مجهز شوند از منظر منطق این نظریه مورد قبول است. به بیان دیگر این نظریه صلح و امنیت بین‌المللی را از محل استقرار ارباب ناشی از بازدارندگی به ارمغان می‌آورد و نه اعمال موازین حقوقی بین‌المللی.

۳-۲- نظریه بینابینی^{۴۵}

شرح: مبنای نظریه بینابینی بر دو محور ممنوعیت تولید، تجارت و استفاده از تسلیحات ممنوعه و کنترل تجارت تسلیحات متعارف استوار است. این نظریه در خصوص موضع خود نسبت به نظریه خلع سلاح ابراز می‌دارد که هیچ کشوری حاضر نخواهد شد تا در ازاء دریافت تضمین، کلیه تسلیحات نظامی خود را امحاء کند. همچنین موضع نظریه بینابینی در خصوص نظریه توازن آن است که چنانچه تسلیحات نظامی به نحو یکسان میان دولت‌ها پخش شوند احتمال انعقاد پیمان‌های دفاع جمعی و قطب‌بندی‌ها بالا رفته و این مسئله می‌تواند نبردهای منطقه‌ای بزرگی را رقم زند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۵۹). در شاخه روابط بین‌الملل از این نظریه تحت عنوان رویکرد تنظیم کاربرد تسلیحات نیز یاد شده و اساساً یک نظریه لوگانیسم^{۴۶} یا منطق‌گرا محسوب می‌شود. معاهده تجارت تسلیحات تا حد زیادی از منطق این نظریه تأثیر می‌پذیرد (نجفی، ۱۳۹۴، ۴۲۹).

نقد: به نظر می‌رسد نظریه بینابینی با نگرشی منطقی به آرمان دو نظریه اخیر نقاط ضعف آن‌ها را کنار زده و توانسته است موفقیت نظری بیشتری را کسب کند. غایت نظریه بینابینی این گونه است که چنانچه

45- Interstitial theory

46- Logicism

مذاکرات سیاسی و قوانین بین‌المللی نتوانند از بروز جنگ جلوگیری کنند دولت‌ها ملزم باشند که از کاربست تسلیحات نامتعارف در جریان جنگ خودداری کنند تا شاهد فجایعی نظیر فجایع و آثار جنگ جهانی دوم نباشیم (انگدل، ۱۳۹۹، ۱۲). سودای دیگر این نظریه ایجاد یک سیستم شفاف جهت کنترل تجارت تسلیحات نظامی متعارف است و سعی می‌کند به واسطه اراده دولت‌ها ایشان را به التزام حقوقی پیرامون این قضیه دعوت کرده تا معاملات تسلیحات متعارف قاچاق و غیرقابل ردیابی خود را به معاملات ثبت شده و قابل ردیابی تبدیل کنند. مضافاً این که برخلاف نظریه توازن که معیاری برای سنجش توان نظامی برابر نداشت این نظریه معیارهای علمی و فنی واضحی برای تفکیک سلاح متعارف از سلاح غیرمتعارف دارد (حکیمی‌ها و هفتانی، ۱۳۹۴، ۱۲۸).

۳- عوامل توجه جامعه بین‌المللی به مسئله تجارت تسلیحات نظامی

تبیین شد که تجارت تسلیحات بخشی از نظام کنترل تسلیحات نظامی است. در این بخش لازم می‌دانیم تا به عواملی که توجه جامعه بین‌المللی را به مسئله لزوم کنترل تجارت تسلیحات نظامی جلب نمود اشاره کنیم.

۳-۱- میل افراطی برخی از دولت‌ها به واردات سلاح

تحقق امنیت برای مردم همچنان از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود (نورمحمدی و صادقی خورجستان، ۱۳۹۳، ۲۱۸). تحقق امنیت آن تا حد زیادی در رهن مسلح بودن ارتش و پلیس کشور است لیکن امنیت تمام حقوق مردم نیست. برخی از دولت‌ها با صرف نظر کردن از سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی نظیر آموزش و بهداشت عمومی، بودجه‌های کلانی را برای خرید تسلیحات نظامی اختصاص داده و بیش از آنچه که امنیت ملی آن‌ها ایجاب کند به خرید سلاح مبادرت می‌ورزند. اگرچه دولت بدون سلاح به مثابه شیر بدون دندان است لیکن باید پذیرفت کشوری که سلاح را در انبارهایش ذخیره کرده است در هنگام مواجهه با بحران‌های بین‌المللی قبل از آن که تمایل به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات داشته باشد در پی آغاز تنش نظامی خواهد بود؛ فلذا خرید حجم آماري گسترده از تسلیحات نظامی نه هنر محسوب می‌شود و نه ضعف (زرمحمدی و حسینی‌الموسوی، ۱۳۹۵، ۷۲). طی آماري در سال ۲۰۲۰، دو کشور هندوستان و عربستان سعودی به ترتیب با وارداتی حدود ۲/۷ و ۲/۴ میلیارد دلار، در صدر کشورهای واردکننده تسلیحات نظامی قرار گرفتند و بدین شکل حدود بیست و یک از کل بازار واردات سلاح را به خود اختصاص دادند.

۲-۳- میل افراطی برخی از دولت‌ها به صادرات سلاح

برخی از دولت‌های توانمند در حوزه تولید تسلیحات نظامی، سلاح را به صورت اقساط و با قیمتی مناسب در اختیار برخی از دولت‌های ناتوان در این حوزه از صنعت قرار داده و از محل این اقدام دولت خریدار را به لحاظ اقتصادی مقروض می‌کنند. متعاقباً و نظر به آن که دولت مقروض به بازار متنوعی از تسلیحات نظامی با قیمت مناسب دسترسی پیدا می‌کند پرداخت بدهی خویش را مقدم بر پیشرفت در حوزه تولید سلاح خواهد دید. در چنین وضعیتی کشور صادرکننده تسلیحات نه تنها یک مشتری ثابت برای فروش تسلیحات نظامی خویش پیدا می‌کند، بلکه به لحاظ سیاسی نیز کشور واردکننده را به خود وابسته خواهد نمود. همچنین تبدیل شدن کشور واردکننده سلاح به متحد منطقه‌ای کشور صادرکننده قابل پیش‌بینی بوده و بدین ترتیب دولت صادرکننده سهم بیشتری در تعریف نظم در صحنه روابط بین‌المللی خواهد داشت (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۴۴-۳۴). در سال ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا و روسیه به ترتیب حدود سی و نه درصد و نوزده درصد از سهم کل صادرات تسلیحات نظامی را به خود اختصاص دادند و همچنان نام این دو کشور در صدر جدول کشورهای متمایل به صادرات سلاح می‌درخشد.

۳-۳- نقش آفرینی شرکت‌های تولید سلاح در سیاست‌گذاری‌ها

آیزن‌هاور^{۴۷}، رییس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا خطر بروز جامعه نظامی-صنعتی را به سیاست‌مداران این کشور گوشزد کرده بود. مقصود او از جامعه نظامی-صنعتی وضعیتی بود که تولیدکنندگان سلاح در سیاست‌گذاری کشور اعمال اراده کنند. بدیهی است که اهرم فشار شرکت‌های بزرگ تولید سلاح بر تصمیم‌نهایی دولت متبوع‌شان در خصوص پیوستن یا نپیوستن به کنوانسیون‌های مرتبط با کنترل تسلیحات نظامی مؤثر واقع شود زیرا این شرکت‌ها ارتباط ناگسستگی میان حوزه‌های مختلف صنایع و معادن به وجود آوردند و بدین واسطه نقش مهمی در ایجاد اشتغال صدها هزار نفر و افزایش تولید ناخالص داخلی^{۴۸} برای دولت متبوع‌شان ایفا می‌کنند. افزون بر موارد اخیر، افزایش تولید و بهبود کیفیت خدمات پس از فروش توسط شرکت‌های تولید سلاح بستر مساعدی برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در بخش‌های مهم مرتبط با این حوزه از جمله ارتقاء سطح تکنولوژی، کشف معادن مورد نیاز و حمل و نقل را نیز فراهم می‌آورد. چالش شرکت‌های تولیدکننده سلاح صرفاً به مسئله تأثیر

47- David Dwight Eisenhower (1890-1969)

48- Gross Domestic Product (GDP)

آن‌ها بر سیاست‌گذاری دولت متبوع شان ختم نمی‌شود. اگرچه کسب سود تجاری از محل تولید هدف نامشروعی نیست لیکن مقصود از فعالیت می‌بایست مدنظر قرار گیرد. جنرال دینامیکس^{۴۹} به‌عنوان یکی از ده شرکت بزرگ تولید سلاح، صلح را تهدیدی برای استمرار فعالیت خویش می‌داند و با همین منطق توانسته است فروش خود را در سال ۲۰۱۵ به سی و یک میلیارد دلار برساند (رحیمی و جعفری مهدی‌شهری، ۱۳۹۹، ۱۵۹).

۴-۳- دلالات

اگرچه سود ناشی از تجارت تسلیحات نظامی مبالغ کلانی را شامل می‌شود لیکن در سایه وجود چندین کنوانسیون بین‌المللی ناظر بر کنترل تسلیحات نظامی هیچ کشوری حاضر نخواهد شد تا در مواردی که انجام این تجارت طرح مسئولیت بین‌المللی را برایش به دنبال داشته باشد به انجام چنین اقدامی تن دهد. در اینجا است که حضور دلالات گزینه مطلوبی به نظر می‌رسد. دلالات اسلحه بدون توجه به نیاز دولت‌ها و قوانین بین‌المللی سلاح متعارف و نامتعارف را به دست هر دولت یا گروهی که حاضر به پرداخت پول باشد می‌رسانند. برای درک میزان پابندی دلالات اسلحه به موازین اخلاقی و قانونی به یکی از اظهارات درخشان‌ترین نام در میان دلالات اسلحه اشاره می‌کنیم. ساخاروف^{۵۰} اعلام کرد: «من سلاح را به هر کسی که طالبش باشد می‌فروشم. من وطن ندارم و در یونان یونانی، در روسیه روسی و در فرانسه فرانسوی هستم» (زرمحمدی و حسینی‌الموسوی، ۱۳۹۵، ۵۱).

۵-۳- بستر مساعد برای فعالیت شرکت‌های تولید سلاح و دلالات

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جهان آستان حوادث گوناگون گشت و تجارت تسلیحات نظامی اوج گرفت. انتظار می‌رفت که با پایان جنگ سرد^{۵۱} هزینه‌های مربوط به تجهیز ارتش‌ها رو به کاهش رود و دولت‌ها در مواردی نظیر آموزش و بهداشت سرمایه‌گذاری کنند لیکن پایان جنگ سرد ماهیت مخاصمات مسلحانه بین‌المللی را از قالب جدال مستقیم دولت‌ها به جدال غیرمستقیم آن‌ها و استفاده از جنگ نیابتی^{۵۲} تغییر داد. از این رو گروه‌های جهادی و تروریستی در اقصی نقاط جهان و به خصوص در منطقه خاورمیانه رشد کردند و اقدامات شان آتش لشکرکشی‌هایی نظیر حمله ایالات متحده آمریکا به

49- General Dynamics Corporation

50- Basil Zaharoff (1849-1936)

51- Cold War

52- Proxy war

افغانستان را برانگیخت و مسیر مقابله با تروریسم به صورت جدی دنبال شد (کارگری، ۱۴۰۰، ۲۸۶). این قضایا از لحاظ زمانی توأمان با انقلاب‌های مسلحانه در برخی از کشورهای عربی همچون سوریه، مصر و لیبی بود. پس از اعمال فشار بین‌المللی بر تروریسم، آتش اقدامات ناشی از آن‌ها تا حدی فروکش کرد و مرور زمان آتش انقلاب‌های مسلحانه فوق را به پایان رسانید و دولت‌های میزبان این وقایع اقداماتی برای خلع سلاح عمومی انجام دادند لیکن در این خصوص ناتوان بودند. این شرایط باعث شد شرکت‌های تولید سلاح تولیدات خود را افزایش و محصولات خود را در بازار سیاه توسط تروریسم و دلالان به فروش برسانند (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴، ۸). برای درک بیشتر عمق فاجعه و پتانسیل بازار سیاه سلاح ذکر این نکته را بس که تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم پاکستان تا حد زیادی مرهون همین بازار سیاه بود (کشاوری شگری و احمدوند، ۱۳۹۲، ۱۱۲-۱۱۱).

۶-۳- موازین حقوقی

توجه به نقض موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌عنوان بخشی از حقوق بشر و مقرراتی که چهارچوب حقوق حاکم بر جنگ را مشخص می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰، ۲۶)، زمینه را برای توجه جامعه بین‌المللی به لزوم وضع مقرراتی در باب کنترل تجارت تسلیحات نظامی فراهم آورد. برخی دولت‌ها که خود را طرفدار صلح و امنیت بین‌المللی و دفاع از دموکراسی^{۵۳} می‌دانستند با ارسال سلاح برای طرفین نزاع سود تجاری کلانی را از محل به تأخیر انداختن استقرار صلح به جیب می‌زنند. استمرار این گونه فعالیت‌ها همچنان چالشی بزرگ بر سر راه پایبندی به حقوق بشر محسوب می‌گردد. چنانچه حق حیات^{۵۴} را به‌عنوان اصلی‌ترین مصداق حقوق بشر بدانیم و به بزرگ‌ترین جنگ‌های دو قرن اخیر نگاهی اندازیم در می‌آییم که رابطه متقابلی میان فراگیری سلاح و آمار سلب حیات وجود دارد. براساس آمار دفتر خلع سلاح سازمان ملل متحد^{۵۵} حدود ششصد میلیون سلاح متعارف سبک و کوچک در جهان توزیع شده است و در سال ۱۹۹۹ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^{۵۶} اعلام کرد که رابطه مستقیمی میان فراگیری تسلیحات نظامی متعارف و افزایش میزان تلفات غیرنظامیان وجود دارد (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴، ۷).

53- Democracy

54- Right to life

55- UN Office for Disarmament Affairs (UNODA)

56- International Committee of the Red Cross (ICRC)

۴- مواضع سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف

تا قبل از سال ۲۰۱۳ سازمان ملل متحد اقدامات حائز اهمیت در خصوص کنترل تجارت بین‌المللی تسلیحات نظامی متعارف انجام داده بود (عسگری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵، ۱۵۸-۱۵۷). در اواخر سال ۲۰۱۳ سندی موسوم به معاهده تجارت تسلیحات در صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رأی گذاشته شد. این معاهده به موجب یکصد و پنجاه و چهار رأی مثبت، بیست و سه رأی ممتنع و سه رأی منفی از سوی کره شمالی، ایران و سوریه تصویب و نهایتاً در بیست و چهارم دسامبر ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا گشت (شفیعی و دولت‌خواه، ۱۳۹۲، ۱۴۳). ماده ۲ معاهده بیانگر آن است که این سند صرفاً هشت نوع از تسلیحات متعارف از قرار ماشین‌های جنگی، ناوهای جنگی، تانک‌های زرهی، جنگنده‌های هوایی، بالگردهای تهاجمی، موشک‌ها و سکوهای پرتاب موشک، توپخانه‌های با کالیبر بالا و تسلیحات کوچک و سبک را شامل می‌شود (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۴۷). با این که معاهده صرفاً به کنترل تسلیحات نظامی متعارف می‌پردازد و حتی در میان تسلیحات متعارف نیز صرفاً هفت مورد را تحت پوشش خود قرار می‌دهد باید گفت که در حال حاضر این سند در حکم جامع‌ترین موضع سازمان ملل متحد در خصوص کنترل تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف محسوب می‌گردد (حکیمی‌ها و هفتانی، ۱۳۹۴، ۱۲۶).

اگرچه مطالعه مقدمه معاهده ما را به یاد مقدمه منشور ملل متحد می‌اندازد لیکن بند ۲ از مقدمه معاهده بیانگر رسالت اصلی معاهده است (محمودی، صداقت، ۱۳۹۴، ۲۳۰). براساس مقرر اخیر معاهده به دنبال وضع محدودیت‌هایی جهت کنترل و ردیابی کلیه نقل و انتقالات تسلیحات نظامی متعارف بوده تا مبادا این تسلیحات وارد شبکه‌های غیرقانونی نظیر بازار سیاه گردد که این موضع‌گیری به صراحت در تعارض با مقررات سازمان تجارت جهانی است، زیرا می‌دانیم که فلسفه مقررات سازمان تجارت جهانی به‌عنوان مقررات عام تجارت بین‌الملل بر مبنای اصل آزادی تجارت بنا نهاده شده است (هوشمندی، ۱۳۸۴، ۵۸).

بند ۵ از ماده ۵ معاهده اعضای متعاهد را ملزم به ایجاد یک مکانیسم نظارتی می‌کند (نجفی، ۱۳۹۴، ۴۴۴). این مکانیسم وظیفه ثبت و کنترل نقل و انتقالات بین‌المللی کلیه تسلیحات نظامی متعارف دولت متبوع خویش را بر عهده دارد. اگرچه مقررات سازمان تجارت جهانی ایجاد مکانیسم‌های نظارتی را ممنوع نمی‌داند لیکن با نگاهی به توقعات معاهده از این مکانیسم نظارتی به این نکته پی می‌بریم که مقصود از نهاد نظارتی مندرج در معاهده به‌هیچ‌وجه منطبق بر نهاد نظارتی مدنظر سازمان تجارت جهانی نیست (ذاکری، ۱۳۹۲، ۷۶۰). نهاد نظارتی مدنظر معاهده اختیارات گسترده‌ای از جمله موافقت یا عدم

موافقت با انجام شدن نقل و انتقالات را دارا بوده و به هیچ وجه شباهتی با نهاد نظارتی مدنظر سازمان تجارت جهانی که ماهیت آن اطلاعی و تشریفاتی است ندارد. از طرفی نهاد نظارتی مذکور در معاهده در چهارچوب ماده ۷ می‌بایست مبادرت به صدور مجوز جهت نقل و انتقال تسلیحات نظامی متعارف نماید. مجوزهای مذکور حسب مورد می‌توانند یک تا پنج سال اعتبار داشته باشند. این در حالی است که صدور مجوز صراحتاً به موجب ماده ۱۱ گات^{۵۷} ممنوع و مصداق عمل تبعیض آمیز دانسته شده است و از منظر مقررات سازمان تجارت جهانی جز در شرایط اضطراری امکان استقرار نظام صدور مجوز ممکن نیست (حکیمی‌ها و هفتانی، ۱۳۹۴، ۱۲۹).

بند یک از ماده ۶ معاهده که از آن به عنوان قلب معاهده نیز یاد می‌شود و اعمال حق شرط بر این ماده میسر نمی‌باشد گویای وجود یک ممنوعیت اساسی در خصوص تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف است. این مقرره متصور حالتی است که یک دولت خواهان خرید تسلیحات نظامی متعارف هفت‌گانه تحت شمول معاهده بوده اما از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در لیست تحریمات نظامی قرار گرفته باشد. در چنین حالتی کشورهای عضو نباید مجوزی مبنی بر انتقال تسلیحات نظامی متعارف به نفع کشور مذکور صادر کنند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۷۶). می‌دانیم که تحریمات شورای امنیت به موجب قطعنامه^{۵۸} اعمال می‌گردد و به استناد ماده ۲۵ منشور ملل متحد، پیروی از قطعنامه‌های شورا برای تمام کشورها الزامی است. با این وصف، به موجب بند یک از ماده ۶ معاهده مجدداً بر این مسئله تأکید کرده است تا اتمام حجتی در این زمینه حاصل شود. بدیهی است چنانچه شورا قطعنامه‌های قبلی خود علیه کشور مذکور را لغو نماید ممنوعیتی برای صدور مجوز صادرات سلاح به آن کشور نخواهد بود مشروط بر آن که بنا بر نص بند دوم از همین ماده، انتقال سلاح با صلح و امنیت بین‌المللی منافاتی نداشته باشد.

پرسشی که در این قسمت قابل طرح است آن است که آیا واردات سلاح از کشورهای تحت تحریم شورا نیز با ممنوعیت مواجه است؟ در پاسخ به این پرسش باید اذعان کرد که بند الف ماده ۶ به صراحت از قید «ممنوعیت انتقال» استفاده نموده لیکن انتظار نمی‌رود مقصود این مقرره چیزی فراتر از «ممنوعیت صادرات» باشد. در مقابل اکثر قطعنامه‌های شورا صراحتاً و حسب مورد از قید «ممنوعیت صادرات» یا «ممنوعیت واردات» استفاده نموده‌اند. به نظر می‌رسد چنانچه در قطعنامه از قید «ممنوعیت واردات» استفاده

57- General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

58- Resolution

نشده باشد، واردات سلاح از کشورهای محل بحث با ممنوعیتی مواجه نباشد لیکن نگاهی به لیست این کشورها نشان می‌دهد کشورهای مذکور عموماً توان تولید تسلیحاتی که در بازار جهانی قابلیت رقابت داشته باشند را ندارند. باید اذعان کرد که هیچ رکنی همچون مجمع عمومی در کنترل تجارت تسلیحات نظامی متعارف فعال نبوده لیکن شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه‌های متعدد همچون قطعنامه ۶۷۸^{۵۹} علیه عراق، قطعنامه ۱۹۲۹^{۶۰} علیه ایران، قطعنامه ۱۹۷۳^{۶۱} علیه لیبی و چندین قطعنامه دیگر نقش نسبتاً فعالی در این حوزه ایفا نموده است (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۴۸).

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی می‌بایست مجموعه‌ای از تکالیف را به‌عنوان عضوی از این سازمان انجام دهند. مطالعه موافقتنامه‌های متعدد سازمان تجارت جهانی گویای وجود استثنائاتی در این خصوص می‌باشد. به بیان بهتر در شرایطی خاص ممکن است کشوری علیرغم عضویت در سازمان تجارت جهانی بتواند تعهدات سازمانی خود را کنار گذاشته و آنچه که مطلوب خویش است را انجام دهد. این استثنائات در سه دسته قابل بررسی است. دسته اول استثنائات مربوط به سیاست اقتصادی بوده و مربوط به زمانی است که بخشی از صنعت ملی یک کشور عضو در سازمان تجارت جهانی به دلیل انجام تعهدات سازمانی دچار مخاطرات اقتصادی شود. دسته دوم استثنائات مربوط به منافع ملی بوده و مربوط به زمانی است که کشوری در راستای ایجاد نظم عمومی، مراقبت از محیط زیست، پاسداری از حقوق بشر و امثالهم در سطح کشور مجبور به انحراف از تعهدات سازمانی خویش به‌عنوان عضوی از سازمان تجارت جهانی شود. دسته سوم استثنائات مربوط به امنیت ملی بوده که محدودحصر و دامنه اجرای آن مشخص نمی‌باشد لیکن موضوع آن مشخص است (موسوی زنوز و مرادی، ۱۳۹۲، ۱۴۱).

متأسفانه در مقابل مواضع سازمان ملل متحد، بند دوم و سوم از ماده ۲۱ موافقتنامه گات به صراحتاً به دولت‌های عضو سازمان اجازه تجارت تسلیحات نظامی متعارف را مشروط بر آن که انجام این تجارت برای امنیت ملی ایشان ضروری باشد می‌دهد. به موجب بندهای اخیر کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی می‌توانند به تجارت کالاها و وسایلی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به تأمین استقرار نظامی شوند مبادرت به عمل آوردند و حتی در زمان جنگ یا سایر شرایط بحرانی به تجارت تسلیحات

59- 29 November 1990

60- 9 June 2010

61- 17 March 2011

نظامی متعارف پردازند. بند ب ماده ۷۳ موافقتنامه تریپس^{۶۲} نیز تجارت حقوق مالکیت فکری مربوط به تسلیحات نظامی متعارف را از نظارت سازمان تجارت جهانی مستثنی نموده و برخلاف بند دوم از ماده ۶ معاهده کوچک‌ترین توجهی به مسئله عواقب ضد حقوق بشری این گونه انتقالات نکرده است. همچنین ماده ۸ موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^{۶۳}، اعطای یارانه‌های دولتی جهت کمک به فعالیت‌هایی از جمله تجارت تسلیحات نظامی متعارف را در زمره یارانه‌های غیرقابل تعقیب بر شمرده است (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۴).

اگرچه تعارضات رویه در سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص مواضع اتخاذی پیرامون تسلیحات نظامی متعارف در موارد دیگری همچون ترانزیت و دلالی نیز نمود پیدا می‌کند لیکن اشاره به این موارد از شمول بحث ما خارج است. در کنار مواضع متعارض فوق، تشابهاتی نیز در مواضع معاهده تجارت تسلیحات و مقررات سازمان تجارت جهانی دیده می‌شود. از جمله این موارد عبارتند از عدم تبعیض در اجرای تعهدات، رعایت حسن نیت، شفافیت‌سازی و عدم نیاز به ارائه اطلاعاتی که جنبه امنیت داشته باشد.

نتیجه

تبیین شد که نظریه خلع سلاح اساساً بر پایه دیدگاه‌های ایدئالیسم، نظریه توازن بر پایه دیدگاه‌های رئالیسم و نظریه کنترل تسلیحات بر پایه دیدگاه‌های لوگائیسم استوار شدند. با توجه به این مهم باید اذعان کرد که وجود مبانی نظری متعدد در خصوص کنترل تسلیحات نظامی به معنای عدم همبستگی جامعه بین‌المللی جهت اتخاذ موضعی واحد در این میسر نیست. با توجه به این که هر یک از مبانی نظری موجود در حوزه کنترل تسلیحات نظامی از مکتب فلسفی متفاوت بهره می‌گیرد؛ ظهور رهکارهای متعدد در خصوص نحوه سازمان‌دهی تولید، تجارت و استفاده از تسلیحات نظامی نیز امری بدیهی است.

در نقد رویه سازمان ملل متحد باید گفت که رویه این سازمان در خصوص تسلیحات نظامی نامتعارف عمدتاً رویه‌ای مبتنی بر نظریه خلع سلاح است. این بیان را می‌توان با رجوع به پیمان‌هایی نظیر پیمان خلع سلاح شیمیایی یا خلع سلاح هسته‌ای یافت. اگرچه تصویب پیمان‌های اخیر با همکاری اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی مواجه شده است لیکن این مهم بدین معنا نیست که رویه کشورها در خصوص تجارت

62- Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

63- National Foreign Trade Council (NFTC)

تسلیمات نظامی متعارف نیز این گونه باشد. حقیقت آن است که کنترل تجارت تسلیمات نظامی متعارف با مانعی تحت عنوان حقوق حاکمیتی دولت‌ها موجه است. سازمان ملل متحد بر این موضوع واقف بوده و با راهکاری مبنی بر استناد به رابطه میان قاچاق تسلیمات متعارف و افزایش مصادیق نقض حقوق بشر این مانع را تا حد امکان کنار زده است. همچنین سازمان ملل متحد از ایده آرمان‌گرایانه نظریه خلع سلاح فاصله گرفته و ایده منطق‌گرایانه نظریه بینابینی را در خصوص کنترل تجارت تسلیمات نظامی متعارف اتخاذ نموده که این مهم نیز در حصول نتیجه مفید است.

در نقد رویه سازمان تجارت جهانی باید گفت که رویه این سازمان در تعارضی فاحش با مواضع سازمان ملل قرار دارد. این سازمان در خصوص کنترل تجارت تسلیمات نظامی متعارف رویه‌ای منفعل را پیش گرفته است. می‌دانیم که تجارت تسلیمات نظامی متعارف می‌تواند امنیت جهانی را به خطر اندازد لیکن سازمان تجارت جهانی با قراردادن این حوزه از تجارت ذیل استثنائات مربوط به امنیت ملی، حتی زمینه را برای تحقق اصل درون‌سازمانی شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن از بین برده که این قضیه در حکم ریختن آب پاکی بر روی طرح‌های متعدد سازمان ملل متحد است که هدف وجودی آن‌ها ایجاد شفافیت و قابل پیش‌بینی کردن تجارت تسلیمات نظامی متعارف است. همچنین برخلاف سازمان ملل متحد در هیچ‌یک از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی خبری از توجه به قواعد حقوق بشر در هنگام تجارت تسلیمات نظامی به چشم نمی‌خورد.

جمله‌نهایی این پژوهش را به یک نکته کلیدی اختصاص می‌دهیم. کاربست مواضع سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیمات نظامی متعارف چنانچه کوچک‌ترین منافاتی با مواضع شورای امنیت، تعهدات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و سایر تعهدات منشوری دولت‌ها از جمله پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشد موجب طرح مسئولیت بین‌المللی برای دولت خاطی خواهد گردید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- اسلامیان، محمدعلی، ۱۳۹۹، **نقش سازمان ملل در صلح و امنیت بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات شیل.
- انگدل، سیلویالویز، ۱۳۹۹، بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی: چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان، ترجمه شهربانو صارمی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- تدینی، عباس و کازرونی، سیدمصطفی، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی، **مجله مطالعات حقوقی**، شماره ۷(۴).
- حکیمی‌ها، سعید و هفتانی، مهدی، ۱۳۹۴، تجارت بین‌المللی تسلیحات در چهارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی و استثنائات امنیت ملی آن، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۲۳(۹۲).
- ذاکری، مهدی، ۱۳۹۲، نظارت در سازمان جهانی تجارت: مکانیسم بررسی خط و مشی تجاری، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۶(۶۲).
- رجیبی تاج امیر، ابراهیم، ۱۳۹۸، **اصول و موازین حقوقی حاکم بر کاربرد سلاح**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- رحیمی، فتح‌الله و جعفری مهدی‌شهری، محمود، ۱۳۹۹، **حقوق تجارت جهانی سلاح در پرتو کنوانسیون‌های بین‌المللی و نظام حقوقی ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهرآب و آینده سازان.
- زرمحمدی، آیت‌الله و حسینی‌الموسوی، سیدمجتبی، ۱۳۹۵، **تجارت اسلحه و نقض حقوق بشر**، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سرتیپی، حسین و حجت‌زاده، علیرضا، ۱۳۹۲، **حقوق امنیت هسته‌ای: بررسی رویکرد نظام عدم اشاعه هسته‌ای**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- شریفی طرازکوهی، حسین و گودرزی رئوف، هادی، ۱۳۹۶، واکاوی حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل، **مجله آفاق امنیت**، شماره ۱۰(۳۶).
- شفیعی، نوذر و دولت‌خواه، زهرا، ۱۳۹۲، تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات، **مجله راهبرد**، شماره ۲۲(۴).

- شیرودی، مرتضی، ۱۳۸۴، افسانه کنترل تسلیحات و خلع سلاح، **مجله رواق اندیشه**، شماره (۱) ۴۷.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۴۰۰، **حقوق بین الملل بشردوستانه**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- طارم‌سری، مسعود، ۱۳۹۵، **حقوق بازرگانی بین‌المللی**، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی.
- عسگری، پوریا و حسین‌نژاد، کتابیون، ۱۳۹۵، معاهده تجارت اسلحه در فراز و نشیب انعقاد و اجرا: مطالعه‌ای تطبیقی بر موازین عام حقوق بین‌الملل، **مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره (۱) ۲۰.
- کارگری، نوروز، ۱۴۰۰، چالش‌های فلسفی-مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر، **مجله تمدن حقوقی**، شماره (۹) ۴.
- کشاورز شکری، عباس و احمدوند؛ سمیه، ۱۳۹۲، بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجه آمریکا در قبال هسته‌ای شدن هند و پاکستان بعد از جنگ سرد، **مجله پژوهش‌های راهبردی سیاست**، شماره (۴) ۲.
- محمودی، سیدهدای و صداقت، سیدماکان، ۱۳۹۴، کنترل تسلیحات متعارف مطابق با معاهده تجارت تسلیحات، **مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، شماره (۳) ۷.
- مرادی، یونس، ۱۳۹۴، **قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- موسوی زنوز، موسی و مرادی، حسن، ۱۳۹۲، ملاحظات امنیت ملی در سازمان جهانی تجارت، **مجله مطالعات حقوق خصوصی**، شماره (۲) ۴۳.
- میرزایی، سیدحمید؛ درایتی، حامد؛ آقابابائیان، حامد، ۱۳۹۹، **نگرشی بر معاهده تجارت تسلیحات**، چاپ اول، تهران، انتشارات فانوس دریا.
- نجفی، رضا، ۱۳۹۴، معاهده ۲۰۱۳ تجارت تسلیحات و روش‌های راستی آزمایی آن، **مجله مطالعات حقوق عمومی**، شماره (۳) ۴۵.
- نورمحمدی، مرتضی و صادقی خورجستان، زهرا، ۱۳۹۳، نقش و جایگاه شرکت‌های نظامی امنیتی خصوصی در امنیت، **مجله سیاست دفاعی**، شماره (۸۹) ۲۳.
- هوشمندی، حمید، ۱۳۸۴، ایران و سازمان تجارت جهانی: مبانی اصلی تشکیل WTO اصل آزادی تجارت است، **مجله گزارش**، شماره ۱۶۵.

Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - Roshan Ali Shekari, Sayyed Mostafa Milani

Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - Adel Sarikhani, Mostafa Karami Pour

Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - Ebrahim Musazadeh, Mohammad Salehi

Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - Mohammad Ali Hajidehabadi, Ruhollah Shamshiri

Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Arefeh Kordi Nasab, Nafiseh Tosi, Ayda GHasem Zadeh

The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - Mahnaz Khorsandi, Asgar Jalalian

Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - Mohammad Setayesh Pur, Maryam Faraji Tark

The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - Hasan Najjarha

Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani

Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - Pouria Ebrahimzadeh, Somayeh Rahmanian

Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - Maryam SHA'ban

Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - Amir Mohammadi, Mohammadmahdi Heydari, Soheyla Moradi GHaleh

The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - Mostafa Fazaeli, Arash Maleki

Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - Saeed Asadzadeh, Fatemeh Ahadi, Mojtaba Kanjori

The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - Mohammad Setayesh Pur, Parnian Shafae

Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Asad Akhzari Fard, Ali Mardan Ahmadi

The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - Mina Momeni, Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi

Immigrant Children's Rights in National and International Documents - Reza Khaje Nooredini, Sayede Parisa Mirabi

The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - Mostafa Karami Pour, Mona Rajabzade Baghi

Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - Maryam Kamaei

The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - Zahra Vahabi, Arash Razmi

The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - Mohammad Setayesh Pur, Fatemeh Zahra Aslan

Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - Somayeh Zilabi, Sadeh Fetili, Ebrahim Moghaddam

Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Nafiseh Dharovieh, Mohammad Rasol Ansari Nia, Neda Haghghi Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - Ali Mohammadi Jurkoye, Ahmadreza Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi

The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - Mohammad Sadeq Darivand

Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - Sadeh Fetili, Mohammad Fetili, Ebrahim Moghaddam